

Legislative and Executive Strategies for Preventing Administrative Corruption in Banking Processes

1. Mahdijeh Sadat Karimi: PhD Student, Department of Public Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
2. Mohammad Taghi Dashti*: Assistant Professor, Department of Political Studies of Iran, Faculty of Political Sciences, Imam Bagheral Uloom University (AS), Tehran, Iran. Email: t_d_dashty@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Mohammadreza Hakakzadeh: Assistant Professor, Department of Public Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

ABSTRACT

Banking operations are highly susceptible to corruption, and the corruption occurring in these operations is often significant, causing severe damage to the economic systems of countries. Therefore, the integrity of the banking system is one of the most critical factors and components of the socio-economic system, which is sometimes closely intertwined with the political systems of these countries. This study, conducted using a descriptive-analytical method, examines and analyzes legislative and executive strategies for preventing corruption in banking processes. The research findings indicate that legislative strategies, including the development of criminalization measures aligned with international instruments and the privatization of banks (considering government debt to banks), as well as executive strategies, such as implementing information systems, improving and expanding current systems (e.g., Siyada, Sepam, Nahaab, Nasim, Chakavak, Sepaas, and others), integrating banking processes (developing banks with an electronic organization model), and establishing public monitoring systems (introducing incentive and disciplinary systems and reforming the administrative environment), are among the preventive strategies for addressing administrative corruption in banking processes.

Keywords: *Preventive strategies, legislative strategies, executive strategies, banking processes, administrative corruption.*

How to cite: Karimi, M. S., Dashti, M. T., & Hakakzadeh, M. (2025). Legislative and Executive Strategies for Preventing Administrative Corruption in Banking Processes. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 200-213.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 21 February 2025
Revise Date: 21 March 2025
Accept Date: 05 April 2025
Publish Date: 15 October 2025



راهبردهای تقنینی و اجرایی پیشگیری از فساد اداری در فرآیندهای بانکی

۱. مهدیه سادات کریمی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
۲. محمدتقی دشتی*: استادیار، گروه مطالعات سیاسی ایران، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه امام باقرالعلوم (ع)، تهران، ایران. پست الکترونیک: t_d_dashty@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. محمدرضا حکاک زاده: استادیار، گروه حقوق عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

عملیات بانکی بسیار مستعد فساد بوده و فسادهای رخ داده در این عملیات‌ها عمدتاً کلان بوده و آسیب‌های جدی به نظام اقتصادی کشورها وارد می‌کنند. از همین رو، سلامت نظام بانکی، یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده نظام اجتماعی-اقتصادی است که گاه، ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی آن‌ها نیز پیدا می‌کند. در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، راهبردهای تقنینی و اجرایی پیشگیری از فساد بانکی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توسعه جرم‌انگاری منطبق با اسناد بین‌المللی و خصوصی‌سازی بانک‌ها (با در نظر گرفتن بدهی دولت به بانک‌ها) از جمله راهبردهای تقنینی و پیش‌بینی سامانه‌های اطلاعاتی، بهبود و توسعه سامانه‌های کنونی (صیاد، سپام، نهاب، نسیم، چکاوک، سپاس و...)، یکپارچه‌سازی فرایندهای بانکی (توسعه بانک‌ها با در نظر گرفتن الگوی سازمان الکترونیک) و ایجاد سامانه‌های نظارت همگانی (ایجاد نظام تشویقی و تنبیهی و اصلاح محیط اداری) از راهبردهای اجرایی پیشگیری از فساد اداری در فرآیندهای بانکی هستند.

واژگان کلیدی: راهبردهای پیشگیری، راهبردهای تقنینی، راهبردهای اجرایی، فرآیندهای بانکی، فساد اداری.

نحوه استناددهی: کریمی، مهدیه سادات، دشتی، محمدتقی، و حکاک زاده، محمدرضا. (۱۴۰۴). راهبردهای تقنینی و اجرایی پیشگیری از فساد اداری در فرآیندهای بانکی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۳)، ۲۱۳-۲۰۰.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۳ مهر ۱۴۰۴

فساد مالی، به آن دسته از فسادها اشاره دارد که در زمینه‌های پولی و اقتصادی رخ می‌دهد. کسانی که به فساد مالی مبادرت می‌ورزند، عمدتاً اهداف مالی غیرقانونی را پیگیری می‌کنند. از این رو فساد مالی را می‌توان در ادامه‌ی رفتاری فردی یا خانوادگی در نظر گرفت که با هدف کسب منفعت مالی و یا قدرت به وقوع پیوسته و در نهایت منجر به شکل‌گیری انحراف در کارکردهای معمول یک نقش دولتی و یا نهاد مربوط به آن می‌شود. اما فساد اداری به مجموعه رفتارهای آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که در جهت منافع غیرسازمانی، ضوابط و عرف پذیرفته شده را نادیده می‌گیرند، به عبارت دیگر فساد ابزاری نامشروع برای برآوردن تقاضاهای نامشروع از نظام اداری است. بانک جهانی به عنوان یک نهاد مرتبط و همچنین سازمان شفافیت بین‌الملل فساد اداری را به صورت استفاده از قدرت عمومی برای به دست آوردن منافع خصوصی اداری، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی تعریف کرده‌اند. فساد اداری در ایران طبق ماده ۹۱ قانون مدیریت خدمات کشوری شامل هرگونه سوءاستفاده شخصی از منافع عمومی می‌شود (Barati & Zarei, 2019). انعکاس جرم فساد اداری در بعد خرد آن به منزله‌ی یک فساد بوروکراتیک به شکل دریافت ارقام غیرقابل توجه اعتبار، وجه نقدی، هدایا و یا رفتارهای منفعت‌طلبانه از طرف کارمندان و افراد عادی چارت اداری و سازمانی است. در مقابل این تعریف، فساد اداری بزرگ و یا فساد اداری کلان قرار دارد که عمدتاً مرتبط با فساد در بعد سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای دولتی و نخبگان سیاسی و اداری است (Dadkhodai, 2011). شکل دیگری از مصادیق فساد اداری بزرگ را می‌توان در فعالیت‌های رهبران شرکت‌های چند ملیتی بزرگ از طریق تحمیل هزینه‌های کلان بر منابع عمومی ملت‌ها مشاهده کرد و بالاخره فساد سازمان‌یافته به فسادهای پیچیده اداری اطلاق می‌شود که با تشکیل و سازماندهی منظم توسط عده‌ای از اشخاص حقیقی با همکاری یکدیگر انجام می‌دهند. البته فساد اداری سازمان‌یافته ممکن است توسط اشخاص حقیقی نیز ارتکاب یابد و این زمانی است که بقای نظام‌ها به وجود فساد بستگی پیدا می‌کند و در این حالت، سازمان‌ها، مقررات و هنجارهای رفتاری با فساد تطبیق پیدا می‌کند (Bagheri & Saqouri, 2016). که بانک‌ها از جمله، بخش‌های بسیار مهم در اقتصاد هر کشور تلقی می‌شوند که در حوزه‌ی خدمات مالی و پولی دارای نقشی مهم در فرآیند گردش پول هستند. بنابراین در صورتی که بانک‌ها بتوانند در استراتژی‌ها و اهداف خود موفق و مؤثر باشند، زمینه‌ی رشد حوزه‌های گوناگون اقتصادی را چه در بعد کمی و چه در بعد کیفی تولیدات فراهم نموده و آثار مهمی را در زمینه‌ی هدایت نمودن منابع مالی از سوی مردم به سوی تولید و صنعت به جای می‌گذارند. فرآیندهای بانکی به دلیل ماهیتشان، ظرفیتی بیش از هر صنعت دیگر برای رخ دادن فساد مالی دارند و بسیاری از مجرمین اقتصادی در سراسر دنیا برای رسیدن به منفعت‌های غیرقانونی خود سعی دارند که در بانک‌ها نفوذ کرده و افراد مؤثر در این صنعت را ذیل قدرت خود قرار دهند. از همین رو، سلامت نظام بانکی، از همین رو، سلامت نظام بانکی را می‌توان از مهم‌ترین مشخصه‌ها و مؤلفه‌های به وجودآورنده‌ی یک سیستم اجتماعی-اقتصادی دانست که بعضاً، دارای ارتباطی تنگاتنگ با نظام سیاسی نیز هست. سلامت این نظام، از جمله به معنای فقدان هرگونه مظاهر فساد اداری و مالی در آن است. بنابراین، نادیده گرفتن فساد در بخش بانکی می‌تواند پیامدهای شدید و گسترده‌ای برای اقتصاد داشته باشد، چرا که، فساد بانکی در سطح کلان می‌تواند منجر به افزایش مخارج دولتی و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش غیرمولد و فعالیت‌های سوداگرانه گردد که کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد. با توجه به موارد یاد شده مسئله اصلی پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی، صورت گرفته است، بررسی تأثیر فرآیندهای بانکی بر فساد اداری می‌باشد تا مشخص شود که فرآیندهای بانکی چه تأثیری می‌توانند در فساد اداری در ایران داشته باشند؟ به عبارت دیگر، فرآیندهای بانکی کنونی دارای چه نواقص و خلأهایی هستند که ظرفیت رخ دادن فساد را فراهم می‌کنند؟ پس از پاسخ به

این پرسش‌ها لازم است بررسی شود که راهکارهای تقنینی برای پیشگیری از فساد اداری در فرآیندهای بانکی کدامند؟ و همچنین با استفاده از کدام راهکارهای اجرایی می‌توان از رخ دادن فساد در فرآیندهای بانکی پیشگیری کرد؟

۱- راهبردهای تقنینی پیشگیری

باید توجه داشت که یکی از رویکردهای پیشگیری از فساد اداری در جوامع پیشرفته، بهره‌گیری از قوانین دقیق و کارآمد است. بدین منظور در ابتدا، رفع خلاءهای قانونی مرتبط با فساد اداری مد نظر خواهد بود. در ادامه توسعه جرم‌انگاری منطبق با اسناد بین‌المللی به عنوان یک راهکار تقنینی بررسی می‌شود. اصلاح ساختار اداری بانک‌ها و خصوصی‌سازی بانک‌ها از دیگر رویکردهایی است که در این مبحث به عنوان راهبردی تقنینی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

الف) توسعه جرم‌انگاری (پولشویی، ارتشا و...) منطبق با اسناد بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای تقنینی، بحث جرم‌انگاری عواید ناشی از جنایات است. این جنایات می‌تواند شامل سرقت، مواد مخدر و دیگر جرایم باشد. در صورت جرم‌انگاری، مقرراتی وضع خواهند شد که مجوز ضبط کردن و تصاحب نمودن اموال مربوط را صادر نموده و در این صورت راه را بر مجرمان این دست از جرایم تنگ خواهد نمود. یکی دیگر از راهکارهای تقنینی در این زمینه می‌تواند تشویق دولت‌ها با هدف تدوین و تصویب قوانین مترقی به منظور فراهم کردن یک فضای حمایتی از مؤسسات مالی و همچنین کارمندان این مؤسسات در زمینه اخبار مرتبط با فعالیت‌های شک‌برانگیز با حسن نیت تا در این موضوع، مسئولیت حقوقی شامل حال آن‌ها نشود. همچنین رویکرد دیگر می‌تواند تضمین از سوی مقامات ذی‌صلاح باشد. بدین معنی که مؤسسات مالی، به گونه‌ای مسقر شوند که تضمین‌های لازم و کافی داخلی در ازای بحث تطهیر پول وجود داشته باشد. همچنین مکلف کردن دولت‌ها به اتخاذ اقدام‌های حقوقی و انضباطی به منظور جلوگیری کنترل مؤسسات مالی توسط جنایتکاران، جزء راهکارهای اجرایی و اداری و پیشگیرانه قرار می‌گیرد. توصیه این اسناد به گسترش همکاری چندجانبه و معاضدت دوجانبه در تحقیق، تعقیب و استرداد، تشویق به مبادله اطلاعات در خصوص جریان پول، فنون تطهیر پول و معاملات یا عملیات مشکوک همکاری بین‌المللی به موجب توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه مبتنی بر مفاهیم حقوقی که عموماً مشترک است، در راستای راهکار قضایی موثر در مبارزه با جرم پول شویی است (توصیه‌های چهل گانه «فاتف» در سال ۱۹۹۰).

در حقوق داخلی نیز جرائم رشاء و ارتشاء از مفاصد اقتصادی محسوب می‌شوند و در قوانین متعددی این موضوع جرم‌انگاری بوده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب (۱۳۶۷) از قوانین خاص جرائم اقتصادی است. موضوع ماده ۳ این قانون جرم رشاء و ارتشاء است (Bagheri, 2020). در این ماده اشخاص مشمول این ماده، شرایط ارتکاب جرم و مجازات آن‌ها تعیین شده است. از نکات قابل توجه در این ماده مقید بودن جرم رشاء و ارتشاء به قبض و اقباض رشوه بین طرفین است. طبق ماده ۳ این قانون مرتشی باید وجه یا سند را قبول کند تا جرم ارتشاء محقق گردد و در تبصره ۲ همین ماده ضبط مال ناشی از ارتشاء و لغو امتیاز حاصل از رشوه را به عنوان تعزیر راشی معین کرده است که در اینجا نیز جرم رشاء مقید به پرداخت وجه یا سند شده است و قبل از پرداخت این جرم ارتکاب نمی‌یابد. با توجه به مفاد این ماده رشاء و ارتشاء به صرف پیشنهاد و وعده محقق نمی‌شوند و برعکس رویه کنوانسیون‌های پالرمو و مریدا که این مصداق پذیرفته شده است. علاوه بر این قانون، قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) نیز در

مواد ۵۸۸ الی ۵۹۴ به این جرم پرداخته است. همچنین ماده ۱۱۸ قانون جرائم نیروهای مسلح نیز به جرم‌انگاری ارتشاء بین نیروهای نظامی پرداخته است.

قانون ارتقاء نظام سلامت اداری و مبارزه با فساد نیز در ماده یک اقدام به جرم‌انگاری رشاء و ارتشاء نموده و آن‌ها را از مصادیق بارز فساد به شمار آورده است. عنصر مادی این جرم شامل قبض و اقباض رشوه است یعنی فعل مادی نظیر دادن وجه، مال یا سند پرداخت و... توسط راشی به شخص مرتشی که از کارکنان دولت و مشمول افراد ماده ۳ قانون مذکر باشد، پرداخت شود (Dadkhodai, 2011). جرم رشاء و ارتشاء جرم مطلق است و تحقق آن موکول به انجام کار مورد توافق توسط مستخدم نیست. شروع به رشاء و ارتشاء نیز در قوانین ما جرم‌انگاری شده‌اند. تبصره ۳ ماده ۳ ق.ت.م.ا.ک و ماده ۵۹۴ ق.م.ا. مجازات شروع به عمل ارتشاء را در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد دانسته‌اند. در خصوص جرم‌انگاری شروع به رشاء قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و همچنین قانون مجازات اسلامی بیان صریح و مستقل وجود ندارد اما از روح و مفاد ضمنی مواد ۱۲۲ مصوب (۱۳۹۲) و ۵۲۹ مصوب (۱۳۷۵) می‌توان عمل شروع به رشاء را جرم دانست و شروع‌کننده به رشاء را مجازات کرد. در خصوص عنصر معنوی (روانی) در جرم رشاء و ارتشاء هر دو نیاز به سوءنیت عام و خاص دارند. به این معنا که هم در رشاء و هم در ارتشاء شخص مرتکب باید به مجرمانه بودن عمل ارتكابی عالم و آگاه باشد و با اراده و عامدانه فعل مجرمانه را انجام دهد. همچنین علم داشتن راشی به کارمند دولت بودن مرتشی و پرداخت رشوه به منظور انجام یا امتناع از انجام امری که از وظایف مرتشی است، سوءنیت خاص در جرم رشاء محسوب می‌شود. سوءنیت خاص در جرم ارتشاء نیز شامل علم مرتشی به وجود سمت سازمانی و اختیار و صلاحیت انجام امر مورد خواست راشی و عمد در اخذ وجه و مال در قبال تعدی از وظایف سازمانی است.

کنوانسیون بر عکس دیگر اسناد بین‌المللی به طور مستقیم و گسترده فهرست جامعی از جرائم اقتصادی و اداری را ارائه کرده است. فصل سوم این کنوانسیون با عنوان جرم‌انگاری و تدابیر مربوط به اجرای قانون (مواد ۱۵-۴۴) فهرستی جامعی از جرائم را مقرر کرده و کشورهای عضو را نیز ملزم نموده است که به جرم‌انگاری این جرائم در قوانین داخلی خود اقدام کنند.

کنوانسیون با شیوه نگارش صحیح و بیان روشن و جامع و احترام به حاکمیت و اصول اساسی کشورها، این فرصت را برای جامعه بین‌الملل ایجاد کرده است که با الحاق به این کنوانسیون و ایجاد تغییرات و اصلاحات ضروری و منطبق با این کنوانسیون در ایجاد حقوق کیفری مشترک در بین کشورها تلاش نمایند و با ایجاد رویه واحد در این حوزه، امکان و فرصت سوء استفاده مجرمان را از خلأها و تفاوت‌های قانونی بین کشورها سلب شود. در کشور ما تنها قانونی که رسماً حاوی جرائم مربوط به فساد اداری و مالی است، قانون ارتقاء نظام سلامت اداری و مقابله با فساد است. این قانون مصوب سال ۱۳۹۰ است. بند الف و ج ماده ۱ این قانون اقدام به ارائه فهرستی از جرائم مربوط به این حوزه کرده است.

ب) خصوصی سازی بانک‌ها

خصوصی سازی یک واژه‌ی گسترده و مبسوط بوده و در اینجا منظور از آن این است که کنترل عملیاتی و همچنین مدیریت مالی در یک مؤسسه و یا نهاد و یا سازمان از دست دولت خارج شده و به بخش خصوصی منتقل گردد. در این فرآیند، علاوه بر مالکیت، قدرت تصمیم‌گیری نیز به مردم انتقال می‌یابد. چنین قدرتی شامل اختیارات در تدوین استراتژی، تدوین سیاست‌ها و همچنین برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری خواهد بود (Naghavi, 2005). به همین دلیل است که بسیاری از نخبگان حوزه اقتصادی بر این باورند که امر خصوصی سازی، فقط زمانی موفق

خواهد بود که علاوه بر انتقال مالکیت به بخش خصوصی، قدرت تصمیم‌گیری و آزادی عمل نیز به این بخش منتقل شود. علت چنین نظری آن است که در صورت نداشتن آزادی عمل، در نهایت رفتار بنگاه خصوصی شبیه به همان الگوی دولتی پیشین بوده و دستاوردهای خصوصی‌سازی، محقق نخواهد شد.

دلایل روی آوردن به خصوصی‌سازی، گرچه از کشوری به کشور دیگر اندکی متفاوت است، اما غالباً بر عواملی از قبیل: فشارهای مالی، حداکثرسازی نتایج فعالیت‌های اقتصادی، غلبه بر مشکلات و رفع ضعف مؤسسات عمومی، توسعه بخش خصوصی، انتخاب نمونه‌های موفق، تعیین هدف‌های واقع‌گرایانه، و بالاخره طراحی یک راهبرد عملی در جهت کاهش فساد اداری استوار است. به عبارت دیگر، هر فعالیت اقتصادی، بر اساس میزان آن در رشد تولید ارزیابی می‌گردد. علاوه بر آن، خصوصی‌سازی موجب انعطاف و تحرک بیشتر در بخش‌های تولیدی می‌شود، و کارآیی و بهره‌وری را به دلیل کاهش بروکراسی، افزایش می‌دهد؛ و بخش دولتی را از یک شریک بی‌انگیزه ولی تمامیت‌خواه در اقتصاد، به یک راهبرد و هدایت‌کننده مصلحت‌گرا تبدیل می‌کند؛ و با ایجاد انضباط مالی در سرمایه‌گذاری خصوصی، موجب کاهش اتلاف منابع (به دلیل تصمیم‌گیری بر پایه انگیزه‌های اقتصادی و نه سیاسی، اداری، و منافع گروهی) می‌گردد. ایجاد فضای مناسب برای بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها، آزادسازی منابع برای سرمایه‌گذاری با بازده مناسب، کاهش کسری بودجه، و تقلیل تورم، از دیگر ره‌آوردهای بازگشت به توانایی‌های مردم و سازماندهی آن در مسیر رشد و تکامل است (Soltani Mohammadi, 2007).

۱- ملاحظات حائز اهمیت در فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها

علی‌رغم وجود فوائد و مزایای خصوصی‌سازی، فرایند خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی، حداقل نیازمند تأمل در محورهای زیر است:

۱. تردیدی نیست که در کشوری مانند ایران، با سابقه دیرین اقتصاد دولتی، بسیاری از باورهای اقتصادی جامعه و پیکره اعتماد در مردم، بر اساس اقتصادی دولتی پی‌ریزی شده است. فعالیت بانک‌های دولتی به عنوان مؤسسات بزرگ پولی و مالی، بر بنیان همین اعتقاد استوار است. از سوی دیگر، بر اساس همین پیشینه مالکیت دولتی در ایران، تثبیت ساختار مالکیت خصوصی به شکلی امن و پایدار، نیازمند شرایطی است که بتواند به جلب اعتماد و اقبال جامعه نسبت به جایگاه مالکیت خصوصی در کشور بپردازد (Naeimi, 2017). بنابراین، بدون بررسی‌های وسیع و دقیق کارشناسی و نگرش جامع بر جوانب امر و پیامدهای احتمالی، فرایند خصوصی‌سازی (که در ذات خود اقدامی سازنده به نظر می‌رسد) با مشکلات فراوانی مواجه خواهد بود؛

۲. بسیاری از مشکلات موجود در سیستم بانکی دولتی، نه ناشی از مالکیت دولتی بانک‌ها، بلکه ناشی از حاکمیت تفکر دولتی در اداره بانک‌ها است. مدیریت دولتی نظام بانکی که منبعث از قانون پولی و بانکی کشور، قانون ملی شدن بانک‌ها، لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها، و سایر قوانین مرتبط با حوزه فعالیت بانک‌ها شکل گرفته است؛ در عمل به عنوان مانعی برای شکوفایی توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه نظام بانکی عمل کرده است. تأمین خواسته‌های دولت و رعایت مقررات دولتی در امور تجاری و بانکی، که با اصل آزادی ارائه (در مدیریت خصوصی) در تعارض آشکار است، از دلایل اصلی فراهم آمدن زمینه بروز اتهام ناکارآمدی بر سیستم بانکی دولتی است. حال آنکه بانک دولتی فی‌الذمه مشکل‌آفرین نیست، بلکه بانکداری دولتی است که مانع از اجرای کامل وظایف درون سازمانی و برون سازمانی به بانک هاست. برای رفع این تعارض، به نظر می‌رسد یکی از سریع‌الوصول‌ترین گزینه‌ها، تغییر نگرش دولت نسبت به بانک‌های دولتی، و ایجاد زمینه برای شکل‌گیری تفکر مدیریت خصوصی در بانک‌های دولتی است. اعطاء

اختیار و آزادی عمل به مدیران دولتی در کلیه شئون مدیریت، اعم از مدیریت منابع و مصارف مالی و منابع انسانی، می تواند شرایط مورد نیاز بانکهای دولتی را برای دستیابی به کارایی مطلوب فراهم سازد؛

۳. نکته قابل تأمل در امر خصوصی سازی بانکها، مشخص شدن نحوه اداره بانکهای خصوصی است. از طرفی حرکت به سوی خصوصی سازی بانکهای دولتی، نیازمند تغییر در اساسنامه فعلی بانکها و تدوین اساسنامه های جدید برای بانکهای خصوصی می باشد. در این زمینه، الگوبرداری از اساسنامه بانکهای خصوصی موفق و کارا می تواند یکی از راهکارهای پیش رو باشد. در شرایط فعلی و بر اساس مفاد اساسنامه بانکها، اختیار اداره بانکها با شورای عالی بانکها و مسئولیت با مدیران بانکها است، و این هیئت مدیره بانکها، حالت هیئت عامل را دارند. به عنوان نمونه، سیستم تشویق و تنبیه به طور درست اجرا نمی شود، و این محدودیتی است که مدیران بانکها با آن روبه رو هستند. در شرایط کنونی، پرداختیهای دولتی با مشکلات فراوان مواجه می باشند و بهره وری پایین است. در خصوص مبادلات پول خارجی به داخل سرمایه گذاری های داخلی، دادن ضمانتنامه ها، و... کندی هایی وجود دارد که همگی موجب شده است سیستم بانکی نتواند موفق عمل کند؛

۴. شیوه تعیین قیمت با ارزشیابی سهام، یکی از نکات مهم و قابل توجه در امر خصوصی سازی بانکها است. در ارزش گذاری سهام، آنچه که در کشور ما رایج است، قیمت گذاری می باشد. معمولاً ارزیابی سهام، از طریق ارزش خالص دارایی ها و یا نسبت سودآوری صورت می گیرد. در صورتی که در کشورهای دیگر دو مورد مطرح است: یکی محاسبه قیمت سهام، و دیگری ارزشیابی سهام است. به طور معمول، ارزش گذاران سهام سراغ قیمت گذاری نمی روند، بلکه با توجه به مسئله ارزشیابی و عواملی که در قیمت تأثیر می گذارد، طیفی از قیمت را لحاظ می کنند و به عدد خاصی اشاره نمی شود. اما در زمان قیمت گذاری سهام، که در ایران به غلط ارزش گذاری گفته می شود، قیمت پایه ای باید اعلام شود؛ بنابراین، به کار بردن این کلمه و یک عدد بدون در نظر گرفتن متغیرهای مداخله گر، حکایت از این دارد که می تواند به ارزش ذاتی سهم با ارزش بازار نزدیک نباشد (خبرگزاری موج، ۱۳۸۶). در حال حاضر برای تعیین قیمت پایه مؤسسات در حال واگذاری دولت، از انواع روش های موجود استفاده می شود. یکی از این روش ها، ارزش گذاری مؤسسات دولتی بر اساس پیش بینی سود در بنگاه های سودآور، با نگرش Cash Flow و ارزش گذاری دارایی ها در شرکت های غیر سودآور می باشد. مشکل حاصل از این روش به درج قیمت پایه به عنوان قیمت تعهد آور باز می گردد، چرا که اگر شرکت به این قیمت فروخته نشود، تکرار مزایده که منجر به افزایش حجم کار و کند شدن روند خصوصی سازی می شود، اجباری است. لذا در تعیین قیمت پایه برای خصوصی سازی، نباید قیمت فروش یک شرکت در سطح قیمت انحلال در نظر گرفته شود، و قیمت بازار باید به عنوان یک عامل مهم در قیمت گذاری شرکت در حال واگذاری، مدنظر قرار گیرد. قیمت بازاری شرکت ها، معمولاً از پیشنهاد های خرید ارائه شده به سازمان خصوصی سازی، قابل استخراج است. گذشته از این، در قیمت گذاری شرکت ها باید ارزش پنهان به عنوان یک عامل احتمالی که منجر به افزایش قیمت می شود، در نظر گرفته شود. بدین ترتیب اگر شرکتی به قیمت پایه به فروش نرفت، به منظور ایجاد انعطاف پذیری بیشتر در قیمت فروش، در جریان برگزاری مزایده دوم، قیمت پایه، تنها باید به عنوان قیمت حدودی درج شود که ۲۰ درصد آن: نیز به عنوان تخفیف قابل کسر باشد؛

۵. یکی دیگر از موضوعاتی که در امر خصوصی سازی بانک‌های دولتی باید مورد توجه قرار گیرد، مبحث تعیین تکلیف بدهی دولت به بانک‌هاست. در این ارتباط، تسویه بدهی‌های بخش دولتی به بانک‌ها، به روش‌های متعددی امکان پذیر است که هر یک مزایا و معایب خاص خود را دارا می‌باشد، و بعضا ضوابط و مقررات خاص خود را می‌طلبد.
- با این حال، به نظر می‌رسد که یک راه حل ترکیبی از گزینه‌های زیر، بهترین گزینه قابل انتخاب باشد:
- الف) پرداخت بخشی از مطالبات بانک‌ها از طریق تصریح در بودجه‌های سنواتی؛
- ب) استفاده از درآمدهای ارزی؛
- ج) واگذاری سهام شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک‌ها؛
- د) تسویه حساب بدهی از طریق پرداخت‌های دولت بابت افزایش سرمایه.

۲- راهبردهای اجرایی

راهبردهای اجرایی، به آن دسته از راهکارها اشاره دارد که در مرحله پیاده‌سازی فرآیندهای بانکی مد نظر هستند. این راهبردها می‌توانند شامل سامانه‌های اطلاعاتی و یا نظام‌های مدیریتی و پیاده‌سازی استراتژی باشند.

الف) پیش‌بینی سامانه‌های اطلاعاتی

در سال‌های اخیر و بخصوص پس از تحلیل داده‌های مرتبط با مفاسد اقتصادی که از طریق مراجع قضایی کشور کشف و ارائه گردید، لزوم انجام اقدامات اساسی به منظور بهبود شفافیت اقتصادی و پیشگیری از بروز مفاسد اقتصادی برای سیاست‌گذاران اقتصادی بیش از پیش روشن گردید. در همین راستا، قوانین و مقررات متعددی با هدف تقویت حکمرانی در حوزه ریال به تصویب رسید و یکی از مهم‌ترین مراجع تصمیم‌گیر در این زمینه، ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی بوده است. این ستاد در سال ۱۳۹۳ بانک مرکزی را مؤظف نمود تا مظلومه‌های نه گانه در مورد سامانه‌های اطلاعاتی را ایجاد نموده و بهره‌برداری کند. این سامانه‌ها عبارتند از:

جدول ۱. سامانه‌های مربوط به دستور پرداخت، درخواست یا استعلام اطلاعات

سامانه	دستگاه متولی
سامانه نظام هویت‌سنجی الکترونیکی بانکی (نهاب)	بانک مرکزی با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، وزارت اطلاعات، سازمان ثبت احوال، شرکت پست جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های اپراتور تلفن ثابت
سامانه پیام‌رسانی الکترونیک مالی (سپام)	بانک مرکزی
سامانه صدور یکپارچه الکترونیک دسته چک (صیاد)	بانک مرکزی
سامانه چک و اسناد وصولی کاغذی (چکاوک)	بانک مرکزی
سامانه یکپارچه مدیرتی اوراق بانکی (سیما)	بانک مرکزی
سامانه پرداخت الکترونیک سیار (سپاس)	بانک مرکزی
نوبن سامانه یکپارچه بانک مرکزی (نسیم)	بانک مرکزی با همکاری خزانه‌داری کل کشور
سامانه جامع تسهیلات (سمات)	بانک مرکزی با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
سامانه یکپارچه استعلامات مالی (سیام)	بانک مرکزی با همکاری سازمان امور مالیاتی، سازمان ثبت احوال، سازمان ثبت کشورها، شرکت سرمایه‌گذاری مرکزی و تسویه وجوه، مراجع قضایی و سایر دستگاه‌ها

ب) یکپارچه سازی فرایندهای بانکی

میان سیستم های اطلاعات ناشی از یکپارچه سازی فرآیندهای بانکی، سازمان الکترونیک و نظارت همگانی چنان ارتباط نزدیکی هست که برخی صاحب نظران معتقدند سیستم های اطلاعات ناشی از یکپارچه سازی فرآیندهای بانکی و سازمان الکترونیک اگر در نهایت به بسط نظارت همگانی منجر نشوند، رسالت خود را هرگز انجام نداده اند. سیستم اطلاعات ناشی از یکپارچه سازی فرآیندهای بانکی، یک سیستم کاملاً طراحی شده برای تولید، جمع آوری سازمان دهی (پردازش)، ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات در یک مؤسسه، سازمان یا هر حوزه تعریف شده دیگری از جامعه است. سازمان الکترونیک شیوه ای است برای حصول اطمینان از اینکه همه شهروندان به گونه ای یکسان، فرصت مشارکت در تصمیماتی را دارند که به نوعی بر وضعیت و کیفیت زندگی آنها تأثیر می گذارد (Zamanzadeh, 2013). نظارت همگانی نیز در زمره مفاهیمی همچون پاسخ گویی، شفافیت، مسئولیت پذیری و... است که در دو دهه معاصر در حوزه مدیریت دولتی نوین مطرح شده است و ریشه در آموزه های دینی دارد. نظارت و کنترل از مفاهیم اساسی در حوزه وظایف مدیریت و فرهنگ اسلامی است که با هدف راهنمایی مشفقانه و اطمینان از تحقق اهداف سازمانی و همچنین پیش گیری از انحرافات فردی، سازمانی و اجتماعی از مسیر اصلی برنامه پیش بینی و طراحی می شود. از این رو، از جمله موضوعاتی است که در عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، مدیریت، اخلاق حرفه ای، رفتار سازمانی و... کاربرد داشته و به آن توجه شده است.

این شکل جدید از نظارت، شهروندان را از مصرف کنندگان منفعل خدمات بانکی، به بازیگران فعالی تبدیل می کند که می توانند درباره نوع خدماتی که به آن نیاز دارند، اظهار نظر/ نظارت کنند. بانک یکپارچه الکترونیک امکانات گسترده ای را برای عینیت یافتن آموزه های دینی فراهم می کند و با به کارگیری تکنولوژی های پیشرفته در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات، می تواند ارائه ی خدمات بانکی گوناگون را با سرعت بیشتر و بازدهی بالاتر تسهیل نماید. همچنین چنین نظامی، امکان پاسخگویی کارمندان بانک را به شکل مؤثرتری فراهم نموده و همچنین منجر به شفاف شدن اطلاعات می شود. از دیگر مزایای آن می توان به کم شدن و یا از بین رفتن فاصله میان مردم و بانک اشاره کرد و در این حالت، شهروندان، اثربخشی بهتری را در جامعه ایجاد نموده و از این رو عدالت اجتماعی به واسطه ی دسترسی آسان برای افراد متفاوت به شکلی بهتر محقق می شود (Rostami, 2017). سرانجام، بانک چنانچه بخواهد در مسیر تحقق اهداف و تعالی سازمانی حرکت کند، باید به ابزار نیرومندی همچون سازمان الکترونیک مسلح باشد. به نظر می رسد تحقق سازمان الکترونیک هم نیازمند یکپارچه سازی فرآیندهای بانکی است و هم می تواند به آن منجر شود.

ج) ایجاد سامانه های نظارت همگانی

یافتن ارتباط میان مقوله نظارت همگانی و مبارزه با فساد نیازمند شناخت دقیق تر این مقولات است. این مقوله مهم و ارزشمند در سطح بین الملل نیز به بحث گذاشته می شود، مثلاً از دید undp این مقوله اهمیت بسیاری دارد. بدین ترتیب، آنها به پاسخ گویی، شفافیت و Transparency، و سلامت در ساخت اداری بها می دهند و زندگی در اتاق شیشه ای یا به اصطلاح تنگ بلورین و خانه آینه ای را پیشنهاد می کنند. هدف از این پیشنهادها و مقولات، از بین رفتن استعداد بروز فساد است (Liew, 2019).

البته تفکرات ویژه ای نیز وجود دارد که در مقابل این اندیشه قرار می گیرد. از جمله تفکر کارکردگرایی بر این باور است که فساد، در واقع امری غیر طبیعی در ساخت اداری نیست. برخی از متفکران اجتماعی، فساد را همچون گریس برای ماشین می بینند. اگر دنده های ماشین خشک شود، به کارآیی ماشین لطمه می زند و چه بسا آن را متوقف می سازد. شمار این متفکران نیز اندک نیست. آنها بدین ترتیب، حضور فساد را

در ساخت اداری کشورهای کمتر توسعه یافته توجیه می‌کنند و کارآیی فساد را در این می‌دانند که می‌تواند ساختار اداری را در کشورهای کمتر توسعه یافته بهبود بخشد. اما در مقابل، گروهی که فساد را کاملاً نفی می‌کنند، بزرگ‌تر و قوی‌ترند.

امروزه تجربیات خوبی در سراسر دنیا علیه نظریات کارکردگرایان به دست آمده است. تجربیاتی که ایتالیایی‌ها، مالزیایی‌ها، سنگاپوری‌ها و بسیاری از کشورهای دیگر داشتند، نشان می‌دهد که فساد را می‌توان عامل مؤثری در بهره‌وری دانست. برخی نیز بر این باورند که اندوخته‌هایی که از طریق فساد به دست می‌آید، می‌تواند سرمایه‌گذاری شود. اما آنچه واقعیت دارد و امروز گرایش عمده‌تری است، فساد را در مجموع مقوله‌ای صنفی می‌شناسد و با آن مبارزه می‌کند. به همین دلیل امروز می‌توان گفت که در چهارچوب بحث مبارزه با فساد می‌توانیم برای نظارت همگانی موقعیتی جدی قائل شویم.

نظارت همگانی می‌تواند در یک حکمرانی خوب جایگاه بیابد و برونداد آن حاکمیت کم فساد یا دور از فساد خواهد بود. اما باید تعریف دقیق‌تری از فساد به دست دهیم. وقتی از فساد صحبت می‌کنیم، نگاه ما به تخلف نیست. ما نمی‌توانیم در تجزیه و تحلیل فساد یا **corruption** مقوله تخلف را وارد کنیم. آن‌ها قانونمندی‌های خاص خود را دارند و در همه ساخت‌های اداری هم مشاهده می‌شوند. معمولاً روش‌های برخورد اداری تعریف شده‌ای هم برای تخلفات وجود دارد. اما آنچه فساد می‌نامیم، فراتر از این مقوله است (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۶۸). اگر چه تعاریف متنوعی از فساد وجود دارد و دانشمند مختلف، تعاریف متفاوتی از فساد ارائه کرده اند، اما این تعاریف وجه مشترکی نیز دارد. در ساخت اداری این استعداد هست که کار و وظیفه از حوزه وظیفه خارج شود و در مقابل، در حوزه‌هایی تجلی پیدا کند که در آن حوزه‌ها منافع اصولاً به شکل‌های مختلفی برای کسانی که این‌ها را انجام می‌دهند در بر داشته باشد.

در مقوله نظارت همگانی مثل بحث فساد، تعاریف مختلفی هم از لحاظ افکار عمومی و هم به لحاظ نخبگی و روشنفکری داریم. نظارت همگانی یعنی ایجاد شرایطی که در آن مردم هم استعداد قانونی و هم رغبت برخورد با فساد را داشته باشند. تأکید بر رغبت به این دلیل است که ممکن است، نظامی خود را حتی از نظر ساخت قانونی در موقعیت «پاسخ‌گو» قرار دهد، اما محیط اجتماعی «پاسخ‌جو» نباشد. یعنی این دو، یعنی پاسخگویی و پاسخ‌جویی در کنار هم می‌تواند نتیجه می‌دهند و منجر به نظارت همگانی شوند. در صورت وجود محیطی که ساخت قانونی در آن، شرایط پاسخگویی و شفافیت‌های لازم را ایجاد می‌کند و به توانمندی‌های قوه چهارم برای عملیاتی کردن رابطه نظارتی در جامعه بها می‌دهد، ولی در مقابل جامعه پاسخ‌جویی وجود ندارد و نگاه جامعه به محیط اداری خود، نگاه ارباب - رعیتی است، نظارت همگانی شکل نخواهد گرفت. باید در طرف مقابل نیز آمادگی روانی درک و خواست پاسخ وجود داشته باشد (Faghihi, 2001).

نظارت، پیش نیازهایی دارد. یکی از پیش نیازها که شاید اصلی‌ترین آن‌ها باشد، پاسخ‌جویی است. ضمن اینکه از نظر سامانه اطلاعاتی فضا باید بسیار شفاف باشد. یعنی نمی‌توان در یک محیط غیرشفاف، پاسخ‌جو بود. این شفافیت نیازمند فضای اطلاعاتی به روز است. باید بتوانید به شکل‌های مختلفی از آنچه بر شما می‌گذرد، مطلع شوید. بنابراین فقط پاسخ‌جو بودن یعنی مطلع بودن کافی نیست، چه بسا اطلاعات داریم اما به دلیل اینکه این اطلاعات خام هستند و در چهارچوب شاخص‌ها قابل ارزیابی نیستند، کارآیی لازم را هم ندارند. به رغم داشتن اطلاعات و روحیه پاسخ‌جویی، تجهیز به شاخص‌ها، ملاک‌ها و معیارهای سنجشی وجود ندارد.

پرسش اصلی این است که سامانه‌های نظارت همگانی در مقوله فساد چه نقشی ایفا می‌کنند. در مقوله مبارزه با فساد در محیط اداری، شاید مهم‌ترین و اولین نکته این است که وقتی نظارت صورت می‌گیرد، دو اتفاق رخ می‌دهد؛ اول اینکه اساساً محیط روانی ایجاد فساد را مدیریت و کنترل می‌کند و مانع ایجاد فساد می‌شود. البته این بدان معنی نیست که همه‌ی افراد چارچوب‌های قانونی را مراعات می‌کنند. اما بی‌تردید

کارمند تحت نظارت همگانی کمتر خود را آلوده فساد نشان می‌دهد و اگر بخشی از فسادها در پوشش و پرده قرار گیرند، دیگر انجام نمی‌شوند. نتیجه دیگر این است که نظارت همگانی، احتمال کشف فساد را افزایش می‌دهد و به محیط اداری در کشف فساد یاری می‌رساند. سوم اینکه پشتوانه افکار عمومی و افکار و چشم‌های نظارت‌کننده بر محیط اداری، زمینه اجرای مجازات‌ها را تقویت می‌کند؛ یعنی خیلی از مجازات‌هایی که می‌توان از طریق پشتوانه قدرتی، مانع اجرای آن‌ها شد، اگر نظارت صورت بگیرد، این مجازات‌ها هم انجام می‌شوند و حتی ممکن است فاسدترین رژیم‌ها مجبور به اجرای مجازات‌ها شوند.

بنابراین با استفاده از نظارت همگانی استعداد ایجاد نظام تشویقی و تنبیهی مناسب در محیط اداری شکل می‌گیرد. این نظام، هم اداری است و هم از پشتوانه افکار عمومی برخوردار است تا کارمندان سالم در مقابل کارمندان مشکل‌دار تشویق شوند و به کیفیت و خدمت محیط اداری و انسانی کمک شود.

نتیجه‌گیری

منظور از راهبردهای تقنینی، توجه به حوزه قانون‌گذاری است. رفع خلاءهای قانونی مرتبط با فساد اداری، توسعه جرم‌انگاری منطبق با اسناد بین‌المللی، اصلاح ساختار اداری بانک‌ها و خصوصی‌سازی بانک‌ها از جمله راهبردهای تقنینی هستند که در پژوهش پیشنهاد شده‌اند:

- توسعه جرم‌انگاری منطبق با اسناد بین‌المللی

جرم پولشویی: جرم‌انگاری عواید ناشی از جنایات مرتبط با مواد مخدر و لزوم توسعه مقرراتی که اجازه ضبط، تصاحب و مصادره اموال مربوط به عواید تطهیر شده را بدهد، از راهکارهای تقنینی است. مکلف کردن دولت‌ها به اتخاذ اقدام‌های حقوقی و انضباطی به منظور جلوگیری کنترل مؤسسات مالی توسط جنایتکاران، جزء راهکارهای اجرایی و اداری و پیشگیرانه است.

جرم ارتشاء.

اخذ پورسانت در معاملات دولتی.

- **اصلاح ساختار اداری بانک‌ها:** محورهای انجام اصلاحات ساختاری در نظام بانکی شامل مقررات‌زدایی و آزادسازی اقتصادی و پیش‌نیازهای خصوصی‌سازی بانک‌ها است. در بحث مقررات‌زدایی حذف مقررات زائد در نظام بانکداری، می‌تواند بانک‌ها را به مدیریت بهتر سبد دارایی، اعطاء وام‌های کارتر، کاهش قیمت، و افزایش کیفیت خدمات را دارد؛ و این امر، منوط به تغییر ساختار بازار به حالت رقابتی و افزایش آن بین بانک‌ها خواهد بود. همچنین آزادسازی اقتصادی در اصل و مفهوم کلی، بر عدم دخالت دولت در اقتصاد و نظام بازار (به خصوص قیمت گذاری کالاها و خدمات) دلالت دارد؛ و به معنی مقررات زدایی، آزادسازی قیمت ها، شکستن انحصارات، و غیره است.

- **خصوصی‌سازی بانک‌ها:** اگر هدف از خصوصی‌سازی، به وجود آوردن یک سیستم بانکی بازار محور باشد، سه موضوع اساسی، توالی، کنترل، و مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی می‌بایستی مورد توجه خاص قرار گیرد و از اهمیت آن غافل نشد. استفاده از مکانیزم خصوصی‌سازی منجر به فراهم شدن یک محیط رقابت شده و به تبع آن تولیدکننده وادار می‌شود که تولید و همچنین فروش خود را با حداقل هزینه انجام دهد. در واقع حسن خصوصی‌سازی در این است که به جای قوانین و مقررات کنترل‌کننده، این رقابت است که قیمت را در حداقل قرار می‌دهد. تجربه نشان می‌دهد، چنین اتفاقی در ساختارهای دولتی ممکن نبوده و با قانون‌گریزی روبه‌رو هستیم.

از طریق خصوصی‌سازی و ایجاد محیط رقابتی، می‌توان تولیدکننده را مجبور به تولید و فروش با قیمت حداقل کرد. مزیت بخش خصوصی این است که می‌توان آن را از طریق رقابت (و نه مقررات کنترل کننده)، تحت فشار قرار داد تا محصول را با قیمت حداقل تولید کند. این امر در ساختار دولتی امکان پذیر نیست.

منظور از راهبردهای اجرایی، آن دسته از راهکارهایی است که در مرحله پیاده‌سازی فرآیندهای بانکی مد نظر هستند. این راهبردها می‌توانند شامل سامانه‌های اطلاعاتی و یا نظام‌های مدیریتی و پیاده‌سازی استراتژی باشند. پیش‌بینی سامانه‌های اطلاعاتی، یکپارچه‌سازی فرایندهای بانکی و ایجاد سامانه‌های نظارت همگانی از جمله راهکارهای اجرایی در این زمینه هستند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منفعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Administrative corruption in banking processes is a pervasive issue that threatens the integrity of financial systems globally. It manifests in various forms, including bribery, embezzlement, and money laundering, and disrupts economic stability and governance structures (Dadkhodai, 2011). Effective legislative and executive strategies are crucial for addressing these challenges. This study explores the role of regulatory frameworks, privatization initiatives, and advanced information systems in curbing corruption within banking institutions. It uses a descriptive-analytical approach to evaluate preventive strategies, emphasizing both theoretical foundations and practical applications.

Legislation plays a pivotal role in combating corruption by addressing legal loopholes and aligning domestic laws with international standards. For instance, the criminalization of economic offenses, including bribery and money laundering, is essential. Under the United Nations Convention Against Corruption, countries are encouraged to adopt comprehensive legal measures to confiscate illicit assets and prosecute offenders effectively (Barati & Zarei, 2019). In Iran, laws such as the "Law on the Promotion of Administrative Health and Combating Corruption" and specific provisions under the Islamic Penal Code have established a framework for addressing administrative corruption. However, challenges remain in enforcing these laws due to procedural ambiguities and inconsistent application. Moreover, privatizing state-owned banks has been suggested as a legislative strategy to enhance accountability and operational efficiency (Naghavi, 2005). This process involves transferring ownership and management to private entities, fostering competition, and reducing bureaucratic inefficiencies.

The implementation of robust information systems is critical in enhancing transparency and accountability in banking operations. Systems like Nahaab (Electronic Banking Identity System), Sepam (Electronic Messaging System), and Chakavak (Check and Document Clearing System) in Iran demonstrate the potential of technology to deter corruption (Zamanzadeh, 2013). These

platforms enable real-time monitoring, improve data accuracy, and facilitate inter-agency collaboration. Additionally, integrating banking processes within an electronic organizational model ensures consistent oversight and minimizes opportunities for fraudulent activities. Such measures align with global best practices, as seen in countries like Singapore, where digital solutions have significantly reduced corruption in financial institutions (Liew, 2019).

Public monitoring mechanisms, coupled with incentive and disciplinary systems, are vital components of an effective anti-corruption strategy. Encouraging citizen participation and fostering a culture of transparency can enhance the accountability of banking institutions. For example, public reporting tools and whistleblower protections empower individuals to expose corrupt practices without fear of retribution (Faghihi, 2001). This approach aligns with modern governance principles, emphasizing the importance of transparency and public engagement in maintaining institutional integrity. Moreover, global examples illustrate the success of such strategies in reducing administrative corruption and promoting good governance (Rostami, 2017).

Despite the potential of these strategies, their implementation faces several hurdles. The privatization of banks, for instance, requires careful planning and consideration of socio-economic factors. Concerns about regulatory oversight, equitable access to banking services, and the risks of market monopolization must be addressed (Soltani Mohammadi, 2007). Similarly, the adoption of advanced information systems necessitates substantial investments in infrastructure and capacity building. Resistance to change within institutions and the need for cross-sectoral collaboration further complicate the process. Addressing these challenges requires a holistic approach, integrating legislative reforms, technological advancements, and stakeholder engagement.

This study underscores the importance of a multi-faceted approach to combating administrative corruption in banking processes. Legislative strategies, including the development of anti-corruption laws and privatization initiatives, provide a strong foundation for reform. Executive measures, such as the deployment of information systems and public monitoring mechanisms, enhance transparency and accountability. However, the successful implementation of these strategies hinges on addressing practical challenges and fostering a culture of integrity within banking institutions. Future research should focus on evaluating the long-term impact of these measures and exploring innovative solutions to strengthen anti-corruption efforts in the financial sector.

References

- Bagheri, M. (2020). Corruption in the Private Sector of Iranian Law and the Consequences of its Non-Criminalization. *Horizons of Humanities*(47).
- Bagheri, M., & Saqouri, M. (2016). Prevention of Bankruptcies in Banks. *Judicial Perspectives*(75 and 76).
- Barati, A. N., & Zarei, M. H. (2019). *Good Governance and the Fight Against Economic Corruption: An Examination of Anti-Corruption Law in National and International Legal Systems*. Majd.
- Dadkhodai, L. (2011). *Financial-Administrative Corruption and Policies to Combat It, Emphasizing the United Nations Convention Against Corruption*. Mizan Publishing.
- Faghihi, A. (2001). *Accountability Systems in the Public Sector: A Comparative Perspective*.
- Liew, A. (2019). Enhancing and Enabling Management Control Systems through Information Technology: The Essential Roles of Internal Transparency and Global Transparency. *International Journal of Accounting Information Systems*, 33. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.accinf.2019.03.001>
- Naeimi Nejad, M. (2017). Embezzlement by Employees of Private Banks. *Criminal Law*(3).
- Naghavi, H. (2005). Corruption in the Private Sector. *Specialized Management Journal*(7).
- Rostami, V. (2017). Examination of the Causes and Methods of Prevention of Administrative Corruption. *Preventive Approach*(2).
- Soltani Mohammadi, H. (2007). Development and Privatization of Banks: Trends, Issues, Experiences, and Lessons. *Export Bank Journal*(62).

Zamanzadeh, H. (2013). Reforming the Banking System: Necessities and Challenges. *Recent Economic Developments*(132).